

نشست هم‌اندیشی با ناشران در خصوص چالش‌های دوره پیش دبستانی

# به نیازهای واقعی کودک نزدیک شویم

در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» نشست‌های جدیدی را آغاز کرده‌ایم، البته با این تغییر رویه که دعوت از میهمانان بر عهده ناشران گذاشته شود و ما نیز در آنجا میهمان باشیم. انتشارات مدرسه برای اولین نشست پیش‌دبستانی قبول زحمت کرده و دعوت از ناشران را بر عهده گرفته است. جا دارد از انتشارات مدرسه و همکارانشان که زحمات زیادی برای برگزاری این جلسه کشیده‌اند تشکر کنیم.



## نیازهای دوره پیش‌دبستانی را دریابیم

**تهرانی فرجاد:** بنده در چندین دوره اخیر و شاید از دوره نهم به بعد، با این جشنواره در ارتباط بوده‌ام و می‌دانم که کاری سنگین است و جای خسته نباشید دارد. ما در آموزش‌وپرورش و بخش‌های دیگر همیشه به این موضوع اذعان داریم. مخصوصاً اینکه در جریان فعالیت‌های دولتی هم به جهت مختلف، بدنه فعالیت دولتی چه بسا کارها را سخت‌تر می‌کند. خوش‌بختانه دوستان در جشنواره همواره سعی دارند که کار را به بخش‌های خارج از دولت و مانند این نشست‌ها بسپارند، که واقعاً جای تشکر دارد.

انتشارات مدرسه سعی دارد که به جای اصلی خود برسد و بتواند حلقه واسط بین ناشران و آموزش‌وپرورش باشد. در مورد آنچه جناب آقای رضایی فرمودند، قصد دارم مطالبم را روی چند نکته محوری بیان کنم و اتفاق مطلوبی بین ما رخ دهد. چون مسئله مشترکی داریم و می‌خواهیم با همکاری و یاری هم این مسائل را حل کنیم. مسئله تولید کتابی با کیفیت خوب برای کودک است و عدالت آموزشی این است که کودک کم‌برخوردار و کودک برخوردار، هر دو به یک میزان از کتاب‌های مطلوب برخوردار باشند. کتاب‌ها از جهات متفاوت فنی و محتوایی، قیمتی و اقتصادی می‌باید مطلوب باشند. یعنی کتابی که از همه نظر مطلوب است، ولی از نظر اقتصادی مطلوب و مقرون به صرفه نیست، همه شرایط را دارا نیست. صرف نظر از بحث مطلوب بودن، بحث نیاز جامعه

ما در حوزه پیش‌دبستانی با یک سلسله مسائل روبه‌رو هستیم و امروز قصد داریم بخش‌هایی از آن‌ها را طرح کنیم و به دنبال راه‌هایی باشیم که این مشکلات را در کتاب‌های پیش‌دبستانی حل کنند. ما در حالی این نشست را برگزار می‌کنیم که در سال‌های قبل، تأیید محتوای پیش‌دبستانی بر عهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بود. اخیراً مجلس مصوبه‌ای را گذرانده است که تأیید محتوای دوره مهدها را هم به عهده این سازمان گذاشته است. ما امروز وارد بحث مهدها نمی‌شویم و فقط موضوع پیش‌دبستانی مد نظر ماست.

یکی از دلایل عمده ارزیاب‌ها در رد کتاب‌های کار کودک و مربی، این است که کتاب‌های مزبور با هدف‌ها و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی هماهنگی ندارند و این موضوع اصلی‌ترین مشکل محسوب می‌شود. احتمالاً ناشران و دوستان، یا هدف‌ها را مطالعه نمی‌کنند و یا اینکه با آن ارتباط خوبی نمی‌گیرند. چرا که کتاب راهنمای پیش‌دبستانی، برخلاف سایر راهنماها، تولید شده و در اختیار همه قرار گرفته است و ناشران می‌توانند آن را مطالعه کنند و به کار بندند.

اصلی‌ترین مشکل ما شناخت جدی هدف‌ها و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی است. از طرف دیگر، ناشران دوره پیش‌دبستانی به شدت علاقه‌مند و رود به حیطة آموزش‌های دبستانی هستند گویا تمایل دارند، بچه‌ها را سریع‌تر به رشد برسانند! این موضوع برای کتاب‌های پیش‌دبستانی مشکل ایجاد می‌کند.



بهروز رضایی

یکی از دلایل عمده ارزیاب‌ها در رد کتاب‌های کار کودک و مربی، این است که کتاب‌های مزبور با هدف‌ها و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی هماهنگی ندارند و این موضوع اصلی‌ترین مشکل محسوب می‌شود



مسعود تهرانی فرجاد

طولانی‌مدت حس کند، این مطالب را قبلاً شنیده و تکراری است و جذابیتی برای او نداشته باشد. تأکیدات ما در برنامه پیش‌دبستانی این است که کارها جذابیت داشته باشند. کارهای نکرده در دوره پیش‌دبستانی بسیار زیادند و هنر ما این است که آن‌ها را در قالب فعالیت‌های خوب و با بیان و جلوه‌های هنری خوب بتوانیم عرضه کنیم.

تأکید بعدی این است که ما در دوره پیش‌دبستانی به رشد همه‌جانبه و متعادل توجه داریم و قصد نداریم بچه‌ها تک‌بعدی، و تکرار شده‌ای بار بیابند. به بیانی دیگر، نمی‌خواهیم نقاش، ریاضی‌دان و ... بار بیابند. به همین دلیل صاحب‌نظران خارجی و داخلی عقیده دارند که باید آموزش عمومی ارتقا پیدا کند. گاهی اوقات کودک در پیش‌دبستانی به جایی می‌رسد که احساس می‌کند، استعداد کاری را ندارد. بنابراین باید زمینه‌هایی را در محتواهای خود فراهم آوریم که باعث رشد همه‌جانبه کودک شود. رشد همه‌جانبه همان چیزی است که در راهنماها آمده است.

تعادل نیز بحث مهمی است که باید در بخش اجرا جلوه کند و راهنما در این زمینه نیز به مریی کمک کند. در بحث اجرا، دیدگاه ما این است که می‌باید نگاهی تلفیقی حکم‌فرما باشد و ما نباید کتاب‌هایی مجزا برای ریاضی و علوم داشته باشیم. هرچند آموزش‌های مجزا هم جواب‌گو هستند و موافقان و مخالفان خود را دارند، ولی استاندارد و مطلوب این است که محتواها تلفیقی باشند. همان‌طور که ممکن است کودکی

مطرح است. در سطح جامعه، برخی نیازها واقعی و برخی دیگر کاذب هستند. رسالت جامعه فرهنگی این است که به نیازهای واقعی دامن بزند و نیاز آفرینی کند. مثلاً برخی ناشران فقط وارد حوزه تبلیغاتی شده‌اند و فقط دید تجاری دارند.

درخصوص نیازهای واقعی لازم است که ما، هم از برنامه‌های واقعی مطلع باشیم و هم با بدنه اجرایی آشنایی داشته باشیم. مریبانی را که در مراکز پیش‌دبستانی مشغول هستند، به خوبی رصد کنیم. اگر بخواهیم نیاز واقعی اتفاق بیفتد، می‌باید چند اصل را مورد توجه قرار دهیم:

یکی اینکه نگاهی تداخلی به پیش‌دبستانی، نسبت به دوره دبستان نداشته باشیم. محتواها به گونه‌ای آگاهانه تنظیم شوند که این تداخل پیش نیاید به این ترتیب به نیاز واقعی نزدیک شویم. به بیانی دیگر، پا در کفش ابتدایی نکنیم و مطالبی را که به ظاهر جذاب و مفید هستند، ولی مناسب پیش‌دبستانی نیستند، مطرح نکنیم. مطالبی مفید خواهند بود که بهنگام باشند. مطالب زود هنگام باعث سیری کاذب بچه‌ها خواهند شد و در بلندمدت اثر مطلوبی ندارند. به نظر بنده باید یک کارشناس ابتدایی و کسی که از برنامه‌ها و محتواهای ابتدایی مطلع است، در گروه پیش‌دبستان حضور داشته باشد و ایشان نظر و استنتاج‌های خود را درباره تولیدات و کارهای ما بیان کند. **بنابراین لازم است که بدانیم در کتاب‌های ابتدایی چه می‌گذرد.**

نکته دیگر اینکه مطالبی را عنوان نکنیم که بچه در

تأکیدات ما در برنامه  
پیش‌دبستانی این  
است که کارها  
جذابیت داشته باشند.  
کارهای نکرده در دوره  
پیش‌دبستانی بسیار  
زیادند و هنر ما این  
است که آن‌ها را در  
قالب فعالیت‌های  
خوب و با بیان و  
جلوه‌های هنری خوب  
بتوانیم عرضه کنیم



حمیدرضا محمدبیگی

## نکته دیگر توجه به جنبه‌های فرهنگی، بومی (منظور ایرانی بودن و بحث هویت ملی است و مخاطب ما استان‌ها نیستند) و منطقه‌ای است

بگوید هویج، پیاز و ... را دوست ندارم و این مواد را در غذای خود جدا کند، و مادر برای رساندن این مواد غذایی مفید، از روش میکس کردن استفاده کند تا کودک متوجه مواد درون غذا نشود و آن را بخورد. بحث تنیدگی حتی در جنبه‌های مختلف اجتماعی، دینی و مسائل دیگر نیز حائز اهمیت است. هنر ما باید در تلفیق و تنیدگی محتواهای مختلف باشد. بنابراین نیاز است که در گروه ما، غیر از نویسندگان، برنامه‌ریز آموزشی و کسی که بتواند در این زمینه ما را یاری کند، حتماً حضور داشته باشد. نشر یک ناشر وقتی با استانداردها هماهنگ است که کارگروهی متخصص در این زمینه‌ها داشته باشد.

نکته دیگر توجه به جنبه‌های فرهنگی، بومی (منظور ایرانی بودن و بحث هویت ملی است و مخاطب ما استان‌ها نیستند) و منطقه‌ای است. کودک در محتواها باید با این المان‌های فرهنگی ارتباط برقرار کند.

به نظر بنده اگر این محورها رعایت شوند، به نیازهای واقعی کودک نزدیک خواهیم شد و اگر آموزش تلفیقی و رشد همه‌جانبه را مورد توجه قرار ندهیم و به اصطلاح پا در کفش ابتدایی کنیم، به نیازهای کاذب رو خواهیم آورد. ما قصد داریم از کارهای گیشه‌ای و بازاری که از نظر آموزشی مطلوب نیستند، فاصله بگیریم. این جلسه ما شبیه جلسه اولیا و مربیان است که در آن دقیقاً روی سخن با اولیایی است که حاضر نمی‌شوند. در این جلسه هم اشخاصی حاضر نیستند که باید حضور داشتند! در این نشست‌ها ما باید به حل این مسئله کمک کنیم. در سازمان پژوهش هم همیشه به روی شما باز است و ما نیز در خدمت شما هستیم و از چنین گفت و گوهای استقبال می‌کنیم.

### در دوره پیش‌دبستانی باید محتوا به حداقل برسد

**محمدبیگی:** اولین مورد پاسخ به این سؤال هاست که: آیا اصلاً ما به محتوا نیاز داریم؟ آیا می‌توانیم در دوره پیش‌دبستانی محتوا نداشته باشیم و اینکه نقش محتوا چیست؟ در اخبار، گزارش‌ها و سخنرانی‌های مسئولان آموزش و پرورش می‌شنویم که در دوره پیش‌دبستانی باید به سمتی رفت که محتوا به حداقل برسد. دست‌ورزی بیشتر و مدادورزی کمتر شود. البته این حرف سخن درستی است، ولی اگر بخواهیم در کلاس‌های پیش‌دبستانی به سمت حذف محتوا و الگوهای کودک‌محور حرکت کنیم، لازم است که مربی فعالیت‌ها را براساس نیازهای کودک طراحی کند و این کار به مربی توانمند، حرفه‌ای و علاقه‌مند به کار نیاز

دارد. البته می‌دانیم که این دوره، یک دوره آموزشی رسمی است و در برخی اسناد آموزش و پرورش به‌عنوان دوره تحصیلی اصلی بدان اشاره شده است. بنابراین به محتوا نیاز دارند. باید ببینیم در شرایط کنونی، آیا چنین چیزی وجود دارد یا خیر؟

دوستانی که با پیش‌دبستانی آشنایی دارند، می‌دانند که یکی از مشکلات عمده آموزش و پرورش در این حوزه این است که مربی‌های پیش‌دبستانی زیرمجموعه بخش غیردولتی محسوب می‌شوند و از نیروهای آزاد هستند. این افراد توسط مؤسس وارد می‌شوند و پس از یکی دو سال کار، جدا می‌شوند. مؤسسان به منظور جلوگیری از مشکلات بیمه‌ای، سنوات، استخدامی و ... از خدمت طولانی یک مربی استقبال نمی‌کنند. بنابراین عملاً ما در دوره پیش‌دبستانی مربی باتجربه و توانمند نداریم. در صورتی که باید روی محتوا تأکید بیشتری داشته باشیم، تا اگر مربی هم به اندازه کافی توانمند نبود، ضعف مربی توسط محتواهای ما پوشش داده شود.

البته از ابعاد دیگر نیز می‌توان به این موضوع نگاه کرد و به ضرورت محتوا پی برد. طبق تجربه‌ای که ما در تولید محتوا داریم، محتوا را براساس اصلی که آقای تهرانی فرمودند، یعنی اصل تلفیق و روش آموزشی واحد کار شروع می‌کنیم و پیش می‌بریم. به این ترتیب، وقتی می‌خواهیم از ابتدا برای دوره پیش‌دبستانی محتوا تولید کنیم، ابتدا واحدهای کاری را براساس زمان‌بندی موجود تعریف و مشخص می‌کنیم (البته قدم اول نیازسنجی است)، سپس شبکه مفهومی را شکل می‌دهیم و آن را به واحدهای کوچک‌تری تقسیم، و برای هر یک از مفاهیم و عناصر ریزتر، محتوا تولید می‌کنیم. مثلاً یک موضوع را با شعر و دیگری را با قصه به هدف مورد نظر خود می‌رسانیم. کار تلفیق و تولید کتاب‌های تلفیقی کاری بسیار مشکل و حرفه‌ای است. به همین دلیل اغلب کتاب‌هایی که در بازار موجود هستند، از این حیث ضعف دارند. خیلی از برنامه‌ریزان ما نگاه تلفیقی ندارند و حتی در آموزش و پرورش نیز تلفیق بسیار کم‌رنگ است. در دوره‌های ابتدایی و متوسطه تلفیق وجود ندارد. بر کار تلفیق و مزایای آن بسیار تأکید می‌شود، ولی اطلاعات ما در این مورد کم است. به همین دلیل بسیاری از کتاب‌های موجود از این استانداردها فاصله می‌گیرند.

روش دیگر تولید محتوا این است که برای تک‌تک هدف‌های ۱۱ گانه که آقای تهرانی هم اشاره کردند،



حمیدرضا شاه‌آبادی

گمان می‌کنم  
به‌رغم این سابقه  
و موقعیت، آنچه  
باعث می‌شود که  
الان حرف زیادی  
برای گفتن نداشته  
باشیم، ارتباط  
نداشتن ما با  
یکدیگر است

و از بازی، کاردستی و فعالیت‌های متنوع دیگر غافل می‌شویم.

اشکال مشهود دیگر در کتاب‌های ما این است که در طراحی کتاب که باید به اصول آموزش در آن توجه شود، بی‌توجهی می‌شود. به هر حال کتاب با هدف آموزش مطلبی خاص به مخاطب خود تولید می‌شود. انتقال مفهوم به مخاطب مستلزم «فرایند یادگیری» یا «فرایند تدریس» است. باید نقطه شروع به گونه‌ای باشد که هدف کتاب، هدف کار یا هدف آن صفحه از کتاب معرفی شود و سپس فعالیت برای آن هدف طراحی کنیم. بدین معنا که تجربه‌های یادگیری را برای کودک فراهم کنیم تا کودک بتواند آموزش ببیند. در مرحله‌های بعدی نیز کتاب را به سمتی ببریم که بتوانیم آموخته‌های دانش‌آموز را ارزشیابی کنیم. اما ناشران ما از ابتدا شروع به ارزشیابی کودک می‌کنند (مانند اینکه دو مفهوم را به هم وصل کنید، سایه متعلق به کدام شکل است، کدام رنگ به کدام شکل مرتبط است، شناسایی ردپای حیوانات، و...). کودک اول باید آموزش ببیند، بعد اطلاعات کافی دریافت کند، و در پایان ارزشیابی شود. بنابراین ناشران باید برای محتوای مورد نظر خود در کتاب‌های پیش‌دبستانی، طراحی آموزشی انجام دهند. با جست‌وجویی در اینترنت و مراجعه به سایت سازمان پژوهش می‌توان استانداردهای مناسب برای یک کتاب آموزشی پیش‌دبستانی را یافت. در راهنمای برنامه درسی نیز به خیلی از این موارد اشاره شده است و دوستان می‌توانند به آن مراجعه کنند. سخن آخر هم اینکه کتاب راهنمای پیش از دبستان در دسترس مربیان ما قرار ندارد و بسیاری از مربیان و مسئولان آموزش و پرورش از وجود چنین کتابی آگاهی ندارند. کاش بشود این کتاب در دسترس عموم صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران حوزه پیش‌دبستانی قرار بگیرد.

**حمیدرضا شاه‌آبادی:** ما در چهارراه تولید محتوای کتاب‌های پیش‌دبستانی کشور هستیم. از طرف دیگر در خانواده سازمان پژوهش حضور داریم که مطابق اساسنامه پیش‌دبستانی موظف شده است، حداقل مبانی محتوای دوره پیش‌دبستانی کشور را تولید کند. از طرف دیگر با بدنه آموزش و پرورش در ارتباط هستیم و ادارات کل، مناطق و حتی گاهی مدرسه‌ها مستقیماً با ما در ارتباط هستند و تولیدات پیش‌دبستانی را از ما می‌خرند و یا از ما می‌خواهند

محتوا تولید کنیم. مثلاً برای هدف اول مهارت‌های جسمی، ریز هدف‌ها مشخص شود (مثل حرکت در سطوح شیب‌دار) و برای آن‌ها محتوا تهیه شود. با همین روش می‌توانیم کل هدف‌ها را پوشش دهیم. این روش نیز شیوه درستی است، ولی با این روش از بحث تلفیقی جدا خواهیم شد. محور کار بودن هدف‌ها به تلفیقی نشدن کتاب منجر خواهد شد و ارزیاب در اولین نگاه متوجه خواهد شد که فعالیت اول و دوم آن تناسبی با هم ندارند.

بررسی‌ها و مطالعات بنده در حوزه کتاب‌های پیش‌دبستانی بیانگر آن است که ناشران باید مخاطب کتاب را به‌صورت دقیق تعریف کنند. یک فرد ۳۵ ساله با فردی ۳۸ ساله یا فردی ۴۰ ساله با یک فرد ۴۵ ساله تفاوت چندانی ندارند، اما کودک ۴ ساله با کودک ۵ ساله تفاوت‌های اساسی دارد. همچنین کودک ۳ ساله با کودک ۴ ساله نیز تفاوت‌هایی عمده دارد. نظام آموزشی، دوره پیش‌دبستانی را به مدت دو سال چنین تعریف کرده است: دوره پیش از دبستان ۱، و دوره پیش از دبستان ۲. پیش از دبستان ۱، شامل بچه‌های چهار سال کامل و دوره دوم شامل بچه‌های پنج سال کامل است. بعد از آن نیز در سن شش سال کامل وارد دوره اول ابتدایی می‌شوند. بنابراین مخاطب می‌باید دقیقاً مشخص شود و کتابی که برای کودکان پنج ساله تولید می‌شود، نباید روی آن عبارت پیش‌دبستانی نوشته شود. کتاب‌های گروه سنی الف و ب شاید به بازنگری جدی نیاز داشته باشند.

یکی از معضلات ما همین موضوع است. ناشران کتاب‌هایی با عنوان «مناسب برای دوره پیش‌دبستانی» تولید می‌کنند و حتی اشاره‌ای به رده سنی مورد نظر نیز نمی‌شود. انگار طوری است که کودک از تولد تا سن ۶ سالگی می‌تواند از آن استفاده کند!

بحث دوم که باید توجه بیشتری به آن صورت گیرد، تنوع در فعالیت‌هاست. برای رسیدن به رشد همه‌جانبه‌ای که آقای تهرانی هم اشاره کردند، ما باید فعالیت‌های متنوعی را مدنظر قرار دهیم. یعنی با یک کتاب شعر شاید نتوانیم به تمام هدف‌های مورد نظر خود دست یابیم. یک کتاب کار باید به اندازه کافی شعر، قصه، کاردستی و نقاشی داشته باشد و در آن بحث و گفت‌وگو اتفاق بیفتد. برای دوره پیش‌دبستانی حدود ۱۱-۱۲ فعالیت استاندارد وجود دارد و این موارد باید به تناسب در کتاب‌های ما وجود داشته باشند. یکی از ایرادها نیز این است که عمده فعالیت‌ها را به سمت قصه، شعر، یا بحث و گفت‌وگو سوق می‌دهیم





فرزانه شهرتاش

## شناسایی شکل حرف‌های الفبا، به گونه‌ای که کودک آن‌ها را در دست بگیرد، یا آن‌ها را در قالب یک بازی یا پازل لمس کند، می‌تواند او را در ضمیر ناخودآگاهش با حرف‌ها آشنا کند



آزیتا محمودپور

که تولیدات پیش‌دبستانی را که دارند، در قالب کتاب برایشان منتشر کنیم. از طرف دیگر، به واسطه این ارتباط با بدنه آموزش و پرورش، با معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش هم ارتباطی دورادور داریم و از برخی راهنمایی‌های آنان بهره می‌گیریم. به همه این موارد موضوع پخش مدرسه را نیز اضافه کنید که باعث می‌شود با مجموعه ناشران بخش خصوصی این حوزه نیز ارتباط داشته باشیم و بتوانیم کارهای آنان را هم در قالب «پخش مدرسه» توزیع کنیم و به دست مخاطبان برسانیم.

ما سابقه زیادی در این حوزه داریم و فکر می‌کنم که اولین کاری که در تولید محتوای پیش‌دبستانی انجام دادیم، به دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردد. در آن زمان کتابی با عنوان «راهنمای تولید محتوای پیش‌دبستانی» تولید کردیم که در زمان خود اتفاق مهمی تلقی می‌شد. در اوایل دهه ۱۳۷۰ شاهد تولید مجموعه و بسته آموزشی «زمین ما» بودیم و بسته‌های دیگری که زیر نظر جناب آقای رحماندوست در این مؤسسه تهیه شدند. الان در حال آماده‌سازی نهایی بسته سوم آن هستیم. بنابراین در این زمینه ما کارهای زیادی را انجام داده‌ایم.

گمان می‌کنم به‌رغم این سابقه و موقعیت، آنچه باعث می‌شود که الان حرف زیادی برای گفتن نداشته باشیم، ارتباط نداشتن ما با یکدیگر است. ما نتوانستیم ارتباط زیادی با ناشران برقرار کنیم و امکان گفت‌وگوی زیادی با یکدیگر نداشتیم. بیشتر کوششمان این بود که خودمان کار را انجام دهیم. ما از نظر اقتصادی مؤسسه‌ای خودگردان هستیم و هزینه‌هایمان را خودمان تأمین می‌کنیم. بودجه دولتی به هیچ وجه به ما پرداخت نمی‌شود و ما ناگزیر هستیم که برای تأمین هزینه‌ها، دست به تولید بزنیم و سعی کنیم بخش مهمی از مخاطبان را به سمت خود جلب و بازارها را اشغال کنیم. از نظر بنده این راحت‌ترین راه کسب درآمد است و چنانچه بتوانیم موقعیت چهارراه بودن خود را تقویت کنیم، در حوزه کتاب‌های پیش‌دبستانی به الگوسازی دست بزنیم، و همچنین توزیع‌کننده این کتاب‌ها بین مدرسه‌ها باشیم، شاید درآمد بهتر و بیشتری کسب کنیم.

بنده معتقد هستم که کتاب‌ها فقط باید در قالب الگو تولید شوند. الگوهایی باید باشند که ناشران بتوانند از آن‌ها بهره‌برداری کنند. ما در حوزه آموزش و پرورش به شکل عمومی آن، نه فقط در حوزه پیش‌دبستانی، آرمان‌های بسیاری داریم. از جمله این آرمان‌ها

کاهش تصدیگری دولتی و ورود بخش خصوصی به ماجراست. شاید با توجه به اینکه امروزه تولید محتوا به بخش خصوصی واگذار شده است و حتی برگزاری دوره‌های پیش‌دبستانی را نیز به این بخش واگذار کرده‌اند، ما نیز امکان اینکه همکاری خوبی با بخش خصوصی فعالی که بتواند تولید محتوای خوبی را انجام دهد، داریم. این می‌تواند آغازی باشد برای ورود بخش خصوصی به رده‌های بعدی آموزش و پرورش و امکان بهره‌گیری بهتری از بخش خصوصی فراهم شود. بنابراین ما آمادگی خود را برای ارتباط بهتر و بیشتر با ناشران اعلام می‌کنیم.

پخش مدرسه از سال گذشته شروع به کار کرده است و در ماه‌های پایانی امسال قطعاً شاهد رشد و اعتلای این بخش خواهیم بود. سایت اختصاصی پخش مدرسه تا چند روز دیگر شروع به کار می‌کند و ما برای ۱۳۱ ناشر در تهران و شهرستان نامه، نمونه قرارداد و فهرست کتاب‌های پذیرفته شده را فرستاده‌ایم و درخواست کرده‌ایم فهرست کتاب‌های خود را در اختیار ما قرار دهند تا کتاب‌های آن‌ها در سایت، فروشگاه‌ها و چرخه پخش ما قرار گیرند. اتفاق خیلی بزرگی که افتاده و بنده را شخصاً امیدوار کرده، این است که مجموعه موزعین مجله‌های رشد در سراسر کشور موظف شده‌اند که از این به بعد کتاب‌های رشد مدرسه را نیز توزیع کنند. این اتفاق مهم ما را با یک چرخه قدرتمند و جریانی که مویرگ‌های آن در تمام کشور وجود دارند و گسترده‌اند، مرتبط می‌کند و نوید خوبی برای ناشران است. آن‌ها می‌توانند از طریق نهادهای ذی‌ربط آموزش و پرورش کتاب‌های خود را به دست مخاطبان برسانند.

**محمودپور:** مورد تک‌ساختی بودن را می‌پذیرم. تقویت بچه‌ها در جنبه‌ای خاص اصلاً خوب نیست. این کار باعث خروجی‌هایی می‌شود که در حال حاضر از مدرسه‌های استعدادی درخشان داریم. این بچه‌ها متأسفانه وقتی به سنین بالاتر می‌رسند، یا به افسردگی مبتلا می‌شوند و یا به مرحله خودکشی می‌رسند. مگر اینکه خانواده شرایطی را برای آن‌ها مهیا کند که بچه‌ها بتوانند خود به تجربه دست بزنند. بنابراین تک‌ساختی و تک‌بعدی بودن در هیچ پایه تحصیلی قابل قبول نیست. انتظار می‌رود که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، گروه تألیف و یا کارگروهی را در این حوزه در نظر بگیرد. متأسفانه ما در ایران کار فردی را بیشتر از کار گروهی



فاطمه محمدرضایی

ما مؤلفان  
علاقه‌مند زیادی  
داریم، اما آن‌ها  
با شاخص‌هایی  
که شما برای  
تأیید کتاب‌ها  
قرار می‌دهید،  
آشنایی ندارند و  
من نیز یکی از این  
مؤلفان هستم



کاظم طلایی



حرف‌های الفبا خالی کنیم. شناسایی شکل حرف‌های الفبا، به گونه‌ای که کودک آن‌ها را در دست بگیرد، یا آن‌ها را در قالب یک بازی یا پازل لمس کند، می‌تواند او را در ضمیر ناخودآگاهش با حرف‌ها آشنا کند.

**طلایی:** می‌خواهم به دوستانی که در سازمان پژوهش هستند توصیه کنم، فقط کاری را به انجام برسانند که با رفتن آن‌ها، اتفاقی رخ ندهد و مبانی، پایه‌ها و اصول را برای ناشران تعریف کنند. بنده به‌عنوان ناشر کجا می‌توانم این شاخص‌های استاندارد را پیدا کنم؟ کجا به بنده در این زمینه سرویس و مشاوره می‌دهد؟ بسیاری از دوستان ناشر کتاب‌هایی در این زمینه ترجمه می‌کنند که این کتاب‌ها با توجه به استانداردهای سرزمین دیگری طراحی شده‌اند. همچنین باید هر ساله کتابچه‌های به‌روزرسانی شده درباره نقاشی، زبان آموزی و ... تدارک ببینند و سالانه آن‌ها را مورد بازبینی قرار دهند و دستاوردهای آن را به ناشران ارائه کنند. با این کار مسیر حرکت ناشر مشخص می‌شود. در حال حاضر متأسفانه هر ناشری مسیر خود را طی می‌کند.

قبول داریم، در صورتی که در هیچ جای دنیا کاری که توسط یک فرد انجام می‌شود، قابل قبول نیست.

**فاطمه محمدرضایی:** ما مؤلفان علاقه‌مند زیادی داریم، اما آن‌ها با شاخص‌هایی که شما برای تأیید کتاب‌ها قرار می‌دهید، آشنایی ندارند و من نیز یکی از این مؤلفان هستم.

زمانی گفتند کتاب‌هایی قبول می‌شوند که دفتر تألیف تأیید کند. من اولین کتاب خود را در مورد کتاب کار علوم تجربی نوشتم. از همان زمان که چنین موضوعی را شنیدم، دنبال این استانداردها و شاخص‌ها بودم. حتی نمی‌دانستم که برای شناخت آن‌ها به کجا مراجعه کنم. چون در مقایسه با شهری مثل تهران، در سایر استان‌ها پیگیری این مسائل مشکل است. از نظر بنده کسی که به این حوزه علاقه‌مند باشد، مطمئناً طبق استانداردها حرکت می‌کند.

**شهرتاش:** می‌توان کودک را در معرض مفاهیم محتوایی، مهارتی و نگرشی پایه‌ها قرار داد. برای مثال، اگر کودک در دوره پیش‌دبستانی با کلماتی که با «با» شروع می‌شوند، آشنا شود و در کلاس اول هجی کردن و نوشتن کلمه‌ها را یاد بگیرد، اشکالی به وجود نمی‌آید ما نباید دوره پیش‌دبستانی را از زبان آموزی و آموزش